



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

الدَّرْسُ السَّادِسُ

درس ششم

الْمُعْجَم (۲۲ کلمه جدید)

(مضارع : يُعَيِّرُ)
كَثْرَة : فراوانی
لَا مَ : ملامت کرد (مضارع : يَلُومُ)
مِثَالِي : نمونه
مُزْدَحِم : شلوغ
مِلْفَ : پرونده
نَا مَ : خوابید
(مضارع : يَنَامُ / مترادف : رَقَدَ)
نَشِيط : فعال

رَأْس : سر
رَاسِب : مردود
رَاقِد : بستری
رَائِحَة : بو
زُجَاجَة عِطْر : شیشه عطر
صَوْم : روزه
شَرَاب : نوشیدنی، شربت
عَطَّرَ : عطر زد (مضارع : يُعَطِّرُ)
غَيَّرَ : تغییر داد

اِسْتَلَمَ : دریافت کرد
(مضارع : يَسْتَلِمُ)
تَرَكَ : ترک کرد (مضارع : يَتْرُكُ)
تَعَلَّمَ : یاد گرفت
(مضارع : يَتَعَلَّمُ)
حَفْلَة زَوَاج : جشن عروسی
حَفْلَة مِيلَاد : جشن تولد
دَفَعَ : دور کرد، دفع کرد،
پرداخت (مضارع : يَدْفَعُ)

تغییر زندگی

سال تحصیلی جدید آغاز شد و دانش آموزان روستا به مدرسه رفتند. آن روستا کوچک و زیبا بود. خانم معلم وارد کلاس چهارم شد. کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت: «سمت راست بنشینید.» و به دخترها گفت: «سمت چپ بنشینید.» او دانش آموزی مردود به نام ساره را دید. ناراحت شد و برای دیدن پرونده اش و برای آگاه شدن بر گذشته اش رفت. در پرونده سال نخست: او دانش آموزی بسیار کوشاست. تکلیف هایش را خوب می نویسد. او فعال است. در پرونده سال دوم: او دانش آموزی بسیار کوشاست. ولی غمگین است. مادرش در بیمارستان بستری است.

در پرونده سال سوم: او مادرش را در این سال از دست داد. او بسیار غمگین است.
و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را ترک کرد و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می‌خوابد.

خانم معلم خودش را سرزنش کرد و روش تدریسش را تغییر داد.
پس از مدتی دانش آموزان در جشن تولد خانم معلم برایش هدیه‌هایی آوردند و ساره برای خانم معلمش هدیه‌ای در ورقه روزنامه‌ای آورد.

آن هدیه شیشه عطر مادرش بود که اندکی عطر در آن بود و دانش آموزان خندیدند؛ خانم معلم به پسرها گفت: نخندید و به دخترها گفت: «نخندید» خانم معلم با آن عطر به خودش عطر زد.

ساره نزد معلمش آمد و گفت: «بوی تو مانند بوی مادرم است.»

خانم معلم ساره را تشویق کرد و او دانش آموزی موفق شد.

و پس از چند سال؛ خانم معلم نامه‌ای از ساره دریافت کرد که در آن نوشته شده بود: «تو بهترین معلمی هستی که در زندگی‌ام دیدم، تو سرنوشتم را تغییر دادی. من حالا پزشک هستم.»

و پس از مدتی، خانم معلم نامه‌ای دیگر را از خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از وی حضور در جشن عروسی اش و نشستن در جایگاه مادر عروس را خواسته بود.

هنگامی که خانم معلم در جشن عروسی‌اش حاضر شد؛ ساره به او گفت: ای خانم! تو زندگی‌ام را تغییر دادی. پس خانم معلم به او گفت: «نه ای دخترم؛ تو زندگی‌ام را تغییر دادی؛ پس فهمیدم که چگونه درس بدهم.»

✍ با توجه به متن درس پاسخ درست را انتخاب کنید.

۱. أَيْنَ جَلَسَتْ الْبَنَاتُ؟
دختران کجا نشستند؟
☒ عَلَى الْيَمِينِ ☐ عَلَى الْيَسَارِ
۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟
شیشه عطر مال چه کسی بود؟
☒ لَوَالِدِ سَارَةَ ☐ لَوَالِدَةِ سَارَةَ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟
ساره در کدام کلاس مردود شده بود؟
☒ فِي الرَّابِعِ ☐ فِي السَّادِسِ
۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟
هدیه ساره به معلمش چه بود؟
☒ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً ☐ زُجَاجَةً عِطْرِ
۵. هَلْ كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ؟ نَعَمْ
آیا هدایا به مناسبت تولد معلم بود؟
☒ نَعَمْ ☐ لَا

فِعْلُ النَّهْيِ (۲) ⚡ (یا اولاد، لا تَفْعَلُوا)، (یا بنات، لا تَفْعَلْنَ)

(یا ولدان، لا تَفْعَلَا)، (یا بنتان، لا تَفْعَلَا)



یا زَمِيلَاتِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلْنَ، اِصْعَدْنَ.

ای همکلاسی‌ها لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمَلَائِي، رَجَاءً، لَا تَنْزِلُوا، اِصْعَدُوا.

ای همکلاسی‌ها لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءً، لَا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای همکلاسی‌ها لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.



یا زَمِيلَانِ، رَجَاءً، لَا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای همکلاسی‌ها لطفاً پایین نیایید، بالا بروید.

بدانیم

در این درس نیز با فعل نهی آشنا می‌شوید.
به فرق میان فعل‌های مضارع و نهی توجه کنید و ترجمه آنها را یاد بگیرید.

شخص	فعل مضارع	فعل نهی
	تَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
	انجام می‌دهید.	انجام ندهید.

فرق میان فعل مضارع منفی و فعل نهی را بیابید.

لا تَرْجِعْ: بر نمی‌گردد ◀ لا تَرْجِعْ: بر نگرد	لا تَرْجِعِينَ: بر نمی‌گردد ◀ لا تَرْجِعِي: بر نگرد
لا تَنْزِلَانِ: پایین نمی‌آید ◀ لا تَنْزِلَا: پایین نیابید	
لا تَذْهَبُونَ: نمی‌روید ◀ لا تَذْهَبُوا: نروید	لا تَتْرُكْنَ: رها نمی‌کنید ◀ لا تَتْرُكْنَ: رها نکنید

ترجمه کنید.

لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ.	در... شب... زیر... درخت... دراز نکشید...
يَا أَخَوَاتِي، لَا تَظْهَرْنَ بِدُونِ حِجَابٍ.	ای... خواهرانم... بدون... حجاب... ظاهر نشوید...
يَا أَخِي، لَا تَضَحَكْ بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ.	برادرم، با صدای بلند نخند.
لَا تَخْرُجِي وَحْدَكَ؛ أَخْرُجِي مَعَ زَمِيلَاتِكَ.	تنها بیرون نرو، همراه هم شاگردانت برو.

التَّمارين

التَّمرينُ الأوَّلُ

● توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

١. الإِمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ.

جلوگیری از خوردن غذا و آب برای فریضه دینی.

٢. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا.

شخصی که کار را دوست دارد و زیاد تلاش می کند.

٣. صِفَةُ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ.

ویژگی یک مکان پر از اشخاص و اشیاء

٤. الطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ.

دانش آموزی که در امتحانات پایان سال موفق نشود.

٥. إِجْتِمَاعُ النَّاسِ لِفَرَحٍ.

اجتماع مردم برای شادی.

صَوْم

روزه

مثالی

نمونه

مُزْدَحِم

شلوغ

راسب

مردود

حَفْلَه

جشن

التَّمرينُ الثَّاني

● جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



لا تَجْلِسْنَ هُنَاكَ؛ اجْلِسْنَ هُنَا.

آنجا بنشینید، اینجا بنشینید.



لا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ.

عیب های دوستانتان را آشکار نکنید.



لا تَشْرَبِي مِنْ هَذَا الْمَاءِ.

لا تَذْهَبِ مِنْ هُنَا.

از این آب ننوش.

از این جا نرو.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ

● آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. ﴿اُكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾ الأعراف ۱۵۶

در این دنیا و در آخرت برای ما نیکی بنویس.

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف ۴۷

پروردگارا! ما را با قوم ستم‌کار قرار مده.

۳. قَالَ اللَّهُ لَادَمَ وَ حَوَّاءَ : ﴿ لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ ﴾ الأعراف ۱۹

خداوند به آدم و حوا فرمود: به این درخت نزدیک نشوید.

۴. ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾ الْمَزَّمَل ۱۰

و... بر آنچه می‌گویند صبر کن.

۵. ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾ النَّحْل ۱۱۴

و نعمت خداوند را شکر گزار باشید.

التَّمرينُ الرَّابِعُ

● فعل‌های زیر را در جدول قرار دهید و معنایشان را بنویسید.

سَوْفَ يَسْكُتُ / أَتْرُكُ / لَا يَدْرُسُ / ظَهَرَ / تَعْرِيفِنَ / لَا تَقْطَعُ / مَا طَبَخَتْ

يَنْفَعُ / لَا يَصْرُخُ / لَا تَحْسَبُ / قَدْ فُتِمَ / سَتَحْفَظُونَ / مَا رَسَمْنَا / اِشْرَبْ

..... قَدْ فُتِمَ	 ظَهَرَ	ماضی مثبت
..... انداختید	 آشکار شد	
..... مَا رَسَمْنَا	 مَا طَبَخَتْ	ماضی منفی
..... نقاشی نکردیم	 نپخت	
..... يَنْفَعُ	 تَعْرِيفِنَ	مضارع مثبت
..... سود می‌رساند	 می‌شناسی	
..... لَا يَصْرُخُ	 لَا يَدْرُسُ	مضارع منفی
..... فریاد نمی‌زند	 درس نمی‌خواند	
..... اِشْرَبْ	 أَتْرُكُ	امر
..... بنوش	 ترک کن	
..... لَا تَحْسَبُ	 لَا تَقْطَعُ	نهی
..... گمان نکن	 قطع نکن	
..... سَتَحْفَظُونَ	 سَوْفَ يَسْكُتُ	مستقبل
..... حفظ خواهید کرد	 سکوت خواهد کرد	

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

● بخوانید و ترجمه کنید.^۱

۱. «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ

...وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.»

به زیادی نمازشان و روزه شان و بسیاری حج نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانت داری نگاه کنید.

۲. «عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ^۲ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ^۳.»

بر شما باد شکیبایی زیرا شکیبایی در ایمان همچون سر در بدن است.

۳. «أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ.»

به آن چه که گفته شد نگاه کن و به گوینده نگاه نکن.

۴. «لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ.»

هیچ فقری مانند جهل (نادانی) نیست و هیچ میراثی همچون ادب نیست.

۵. «مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ.»

کسی که خشمش را دفع کند، خداوند عذابش را از او دفع می کند.

۱. الْحَدِيثُ الْأَوَّلُ وَالْخَامِسُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَالْحَدِيثُ الثَّانِي وَالثَّلَاثُ وَالرَّابِعُ مِنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

۲. در اینجا «إِنَّ» یعنی «زیرا»

۳. الْجَسَدُ: بدن

تحقیق

● آیه، حدیث، شعر یا سخنی زیبا بیابید که با پیام اخلاقی متن درس هماهنگ باشد.

مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَى عُيُوبِهِ ، وَ أَحَاطَ بِذُنُوبِهِ وَ اسْتَقَالَ الذُّنُوبَ ، وَأَصْلَحَ الْعُيُوبَ .

هر که به محاسبه نفس خود پردازد به عیبهایش آگاه شود و به گناهانش پی ببرد و گناهان را جبران کند و عیبها را برطرف سازد.

